

نام نشریه: ۱۷۵ حرار ویداروند



نام: زهرا



نام: نرگس



نام: ملیکا

نام خانوادگی: شاملو

نام خانوادگی: غفاریان

نام خانوادگی: اسماعیلی

نسبت ایثارگر: برادر زاده شهید * نسبت ایثارگر: نوه شهید * نسبت ایثارگر: برادر زاده شهید
شهید حجت الله اسماعیلی شهید ملک محمد غفاریان شهید قاسم شاملو

نام: مهدیس

نام خانوادگی: حسینی

نسبت ایثارگر: فرزند جانباز ۲۵ درصد



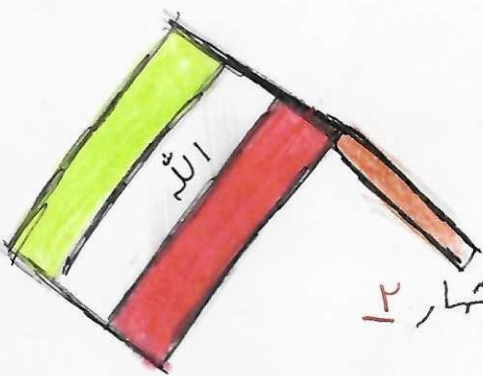
نام: ضحی

نام خانوادگی: رحیمی خواه

نسبت ایثارگر: فرزند جانباز ۳۰ درصد



فهرست



۱- مقدمه

۲- عملیات کربلای چهارم

۳- خاطرات یکی از اسرا

۴- گفتگو با پدر یکی از شهدای غواص

۵- از عجایب و دانستنی‌ها

۶- تحلیل و بررسی ماجرا عملیات کربلای ۴

۷- داستان

۸- داستان

۹- خوشنویسی

۱۰- خوشنویسی

۱۱- نقاشی

۱۲- کار ریگاتور

۱۳- جدول



مع جی نویسم، براء دروستانم، که بدانند، در ایران عزیز، که ما امروز این جبهه مقتدرانه و با افتخار
 و امنیت کامل زندگی می کنیم، مدیون فداکاری، رشادت ها و از خودگذشتگی، جوانان و رزمندگان
 هستیم، که با حمایه ی خودمانداری خلق کردند. یکی از این حمایه عملیات کربلای ۵ بود.
 در این عملیات غواصان ایرانی با عبور از رودخانه اروندر و نفوذ به مواضع دشمن، نقش
 اساسی در پیشبرد نیروی خوری داشتند. شهیدان غواص، حمله ایبار و مقاومت هستند. آنها با
 وجود سرمای شدید زمستان، خطرات فراوان و احتمال شهادت، از جان خود گذشتند، تا از
 بیخ خود دفاع کنند. شهادت شهیدای غواص، درس بزرگی برای همه ماست. به کتابه های دادند،
 که برای دفاع از ارزش های دینی و ملی باید از همه چیز خود گذشت. به کائنات دادند، که عشق به
 وطن بالاتر از هر چیز دیگری است. ما هم از خدای خواهیم، که به ما توفیق عنایت کند،
 که نذاریم، خون این شهیدان عزیز یا ایال شور و توانیم راه این شهیدان را ادامه دهیم.

عملیات کربلای چهار

عملیات کربلای چهار در ری ماه سال ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی غرب اروند انجام شد این عملیات به خاطر یکسره کردن جنگ و عقب راندن دشمن تا دروازه های نصر و سپاه پاسداران را برای طراحی این عملیات در منطقه ابوالمضیب و تلویح به حجاب کرد این عملیات در ساعات ۲۲:۳۰ سوم و چهارم به نماز شد به طبع خاطر خواص در آن سواستخوان سوز خشمگین ساعتی به درون آب رفته و به سخت خط دشمن حرکت کردند. ادا این عملیات از قبل توسط کسور و امریای لورفته و دشمن از این عملیات بگناه بود. در این جمع دشمن، با تیرا کسور تیربار و خمپاره مانع از شرف رزمندگان شدند یگان به محض رسیدن به ساحل در کسور را آغاز کردند. در عملیات «یا محمد» حدود ساعت ۲۲:۴۵ اعلام شد و نیروی عمل کننده، فقط توانستند و جزای تحمل، قطعه ام الرصاص، ام التا و بلجانیه نفوذ کنند. در مقابل نیروی دشمن با شلیک پر حجم تیربار در دروازه اروند ادا کار را مشکل می کرد. با این اوصاف به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات حتی از ادا تیربار جلوگیری شد. تیربار عملیات این بحران بعد از ۳ سال در ۲۸ دی ۱۳۶۵ به ایران محسوس بازماند.

جزه صابری خرد در واقع نفر صد و هفتاد و شصت از کتای غواص بود که در حین عملیات اسیر شد
ایم غواص آزاد در باره حضور من در کربلا یکی نویسد «مسافت ما از ساحل ایران تا عراق بیش
از بیست و دو مایل بود و من تا به ساحل عراق نرسیدم بر رفیع خستگی در آن سرها استخوان سوز به
اندازه کمتر از یک خسته در رفیع خستگی روزی شب خواستم و دوباره بازدم بعضی داخل آب آوردم
سیم خاردار غلغله گنداشته بودند که در حین مجبور از موانع خوشیدی و در غلغله گنداشته گنداشتم و با سیم خاردار
در داخل آب توسط بعضی و چار حوج گنداشتم» جزه صابری اسارت را اینگونه توصیف می کند: سخت تر
از اسارت خفیه کردن اسرا بود یا دم هست یک روز ما را سوار کامیون کردند و داخل محله بصره می بردند
عدای از بعضی ما را سگ می زدند و آب و کن و حای با شید و دای و کن روزی فقط به پای
اسرای کربلا و حضرت زینب بودیم. پای این بودم در مسیر کربلا تا تمام قطعاتی خوابان می آمد
گرسنه و تشنه بودند و خام باید می خوردند. اما ما دیگر این مسائل را نداشتیم.

اصغر بالوی پدر شهید غواص حسینعلی بالوی، ۲۹ سال انتظار رکشیده تا بتواند دوباره آن نوجوان
 غایب را که روزی برای کربلای چهار بدرقه اردند رود کرد ببیند، اما حال نا راحت نیست، وقتی بعد
 از ۲۹ سال بیکر این عزیزان به همدیگر بازگشت با جدیت با یکدیگر گفتگو می کنند و می گویند بین میان
 این گفتگو است. اما از خاطرات حسینعلی می گویند: بار اول به خاطر سبک کم او را از چهره برگردانند
 ۳۱ ساله بود. خودم او را به بیاه بردم. او می گوید حسینعلی هم غواص بود، هم تیربارچی، هم کربلای زین.
 وقتی حضور شد، همه جا را دنبال او گشتم، اما پیدا نکردم. می دانستم که در کربلای ۴ حضور داشته
 و تنی غواص می کرد و کربلای ۴ را به و رورند و دیگر نتوانستم و خانه طلاقت بیاورم، به دعای خدا رفتم.
 کنار خدا نشستم و دعا خواندم و توبه کردم، و توبت خدا هم نوشتم، حسینعلی توانی با هستی حیرانه من
 می گویی توبه کردم و رسم را در توبت گذاشتم و خوابم پرورد. دیدم حسینعلی در خواب آمده و به
 من می گوید: «دستما چون من اینجا هستم، هیلوی تو هستم. حضورش را به من در خواب خبردار.
 » به نقل از مجله نزاری تسنیم»

یکی از ادیان در این عملیات می‌گوید: در این فضای بی‌غواصی، نیکی می‌شود و خیر می‌شود
 که زمستان بی‌شخص است، باید کنار رود کارون می‌رفتند و لباس غواصی که باید حین بافتن
 پوشیده شود راه تن می‌کردند و به تهرین غواصی می‌پرواخشند و از سینه می‌دگر اینده، قصه برادر
 کوچک ۴ ساله ای بود که در حین تهرین غواصی در کربلای عظمی غرق شد و قتی خبر نهادت
 او را به برادر بزرگتر دادیم، تنها عنوان کرد، خوش به حال او از رخ جلوزی.
 بحدید محسن جاوید، یکی از بچه‌های غواص کربلای عظمی است. در مورد حادثه ایشان چنین نقل می‌کنند:
 حادثه بحدید اصلاً ماهی می‌خور، و قتی علت را از ایشان پرسیدند، ایشان گفتند: سیر حین را در
 آورد ماهی می‌خورده اند، به همین خاطر حین اصلاً لب به ماهی نمی‌زند.

در واقع عملیات کربلا ۱ که گفته همه تحلیلگران جنگ، عملیاتی بود که باعث فریب دشمن
 شد و در آن تجدید حاکم سلیمانی در اربعین و فریب حضور خودی در زمانه حال خورشید گفتند عملیات
 کربلا ۱ عملیات اصلی بود، اما وقتی عملیات کربلا ۲ که بسیار بزرگتر بود، به فاصله کوتاهی
 از عملیات کربلا ۱ اجرا شد، دشمن تصور کرد کربلا ۱، عملیات خریب بوده است. و در
 این عملیات توانستیم انتقام تمام شهدای کربلا ۱ مخصوصاً ۱۷ شهید غواص که با خطا دوست
 به شهادت رسیدند را بگیریم. در نهایت باید گفت: جنگ با همه فراز و فرود و وسایط و
 ناکامی، حقایق و نا حقایق، شیده و ناشیده، یکی از بزرگترین و تلخ ترین رویدادهای تاریخ ایران بود.
 اربع جنگ و ناکام ماندن دشمن یعنی، در دستیابی به اهدافش، حاصل مقاومت و ایستادگی
 بود، که از فرزندانمان تا سربازان، سربازان وطن بودند. فرزندان که دل در گرو وطن داشتند
 و از هیچ ننگی برای حکومتی از خنده به تمامیت ارضی ایران توسط صدام و حامیان منطقه^۴
 وسیع المللی اش فرو نذاشتند و قطعاً در شفا تاریخی این سرزمین بر بلند عتشد.

دسته، دسته، طبعه روزیخ افشاده، عده ای جان دادند، عده ای نفع جان وی حرکت، در تهنی
از طبعه صده گمتری دیده وی تواند، کمی روزیخ بخیزد، تقریباً تمام یه زیغ لیریزد اند هدی
نکته اش را داد، به گذر کانال: در تهنی الان چی می خواو سیه؟ هیچی جهه جان، حیاطو بسند و شروع کن
به الهه خوندن تا چند دقیقه دیگر تمام میسه. جهه: بعد از الهه چی میسه؟ در تهنی: «فکر شو نکیر. حاج جهه
به تیر خلاص تا صد بسمه محبت خونه تحویل می گیری. جهه با تمام حرمت یه تیر لجنه صدا دار می کند. در تهنی
خوش را روزیخ می کشد، تا به باقی یه میریزند از در صدای نیرنگ یعنی که بالمرع عربی صحبت می کنند به
گوشی رسید و عمق نگاه در تهنی که حال به خاطر خون ریزی شدید، دید خوب هم ندارد، تعداد رنگ نیرنگ عراقی
دیده می شود. در تهنی با تمام وجودش به یه یه می که زنده هستند می گویند یه یه ذکر بگوید، ذکر یار تون نره» در تهنی
منتظر است که سارویک که در جهه گفته توسط یعنی احرار شور، اما یعنی بدول تسلیم حتی یک تیر
از میان یه یه خواص عبوری کنند. تمام نیرنگ که به یه مستقر شدند، در مانده شان با صدای بلند چیزی
را فریاد می کنند و بعد باز شروع می کنند با اسم دست یه یه را می بندند، در تهنی زیر لب می گویند «یا زهرا»

مُھڙو درحالیٰ کہ دستان سٽه جي ٿوڙو به درتفي نريار جي زند: «پس جي ٿو درتفي حرا ابا غي زند».

درتفي کہ حال متوجہ همه چیز نده با جثمان ترخيزه مُھڙو نگاه جي ڪند و فقط ذکر جي ٿوڙو ديازهر^س.

صدای ناله زندہ از شدت سٽه مُڙن دست و بيان نہ ٿوڙي ريد در همسج جمع درتفي بانقان

مُڙي از رڳو همسج بلند جي ٿوڙو درحالیٰ کہ دونفر دست و پا اورا ڦرته اند از شدت درر خيادي زند

چند قدم کن طرف يعني ڪي گودال عميق حفر ڪرند درتفي ٿوڙي هوا حري جي زند و داخل گودال

جي افند باقي جيءَ راهم جي ٿوڙو گودال ڀري ٿوڙو از ذکر

يا صاحب الزمان^ع

يا ابا عبد الله^ع

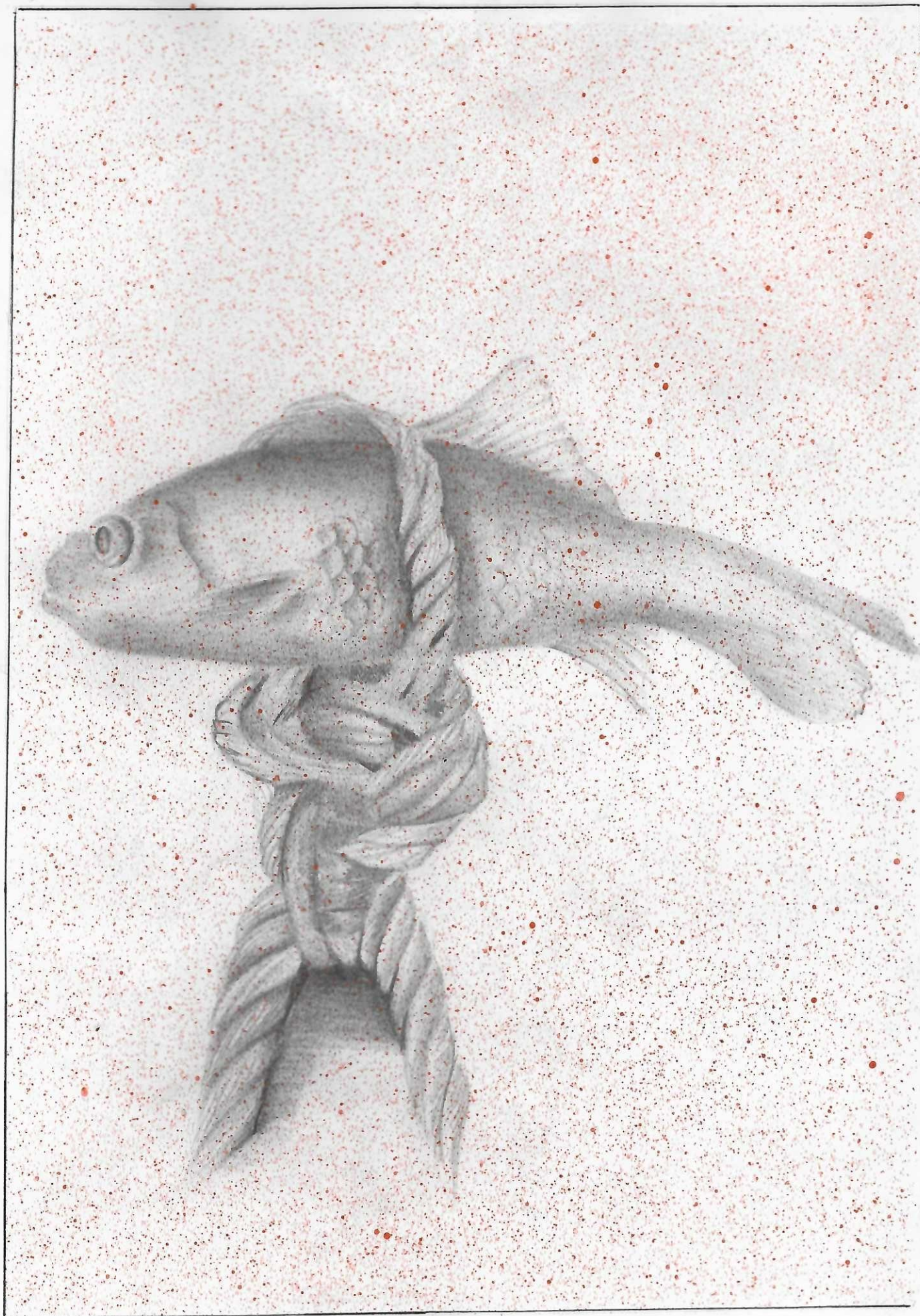
يا زهر^س

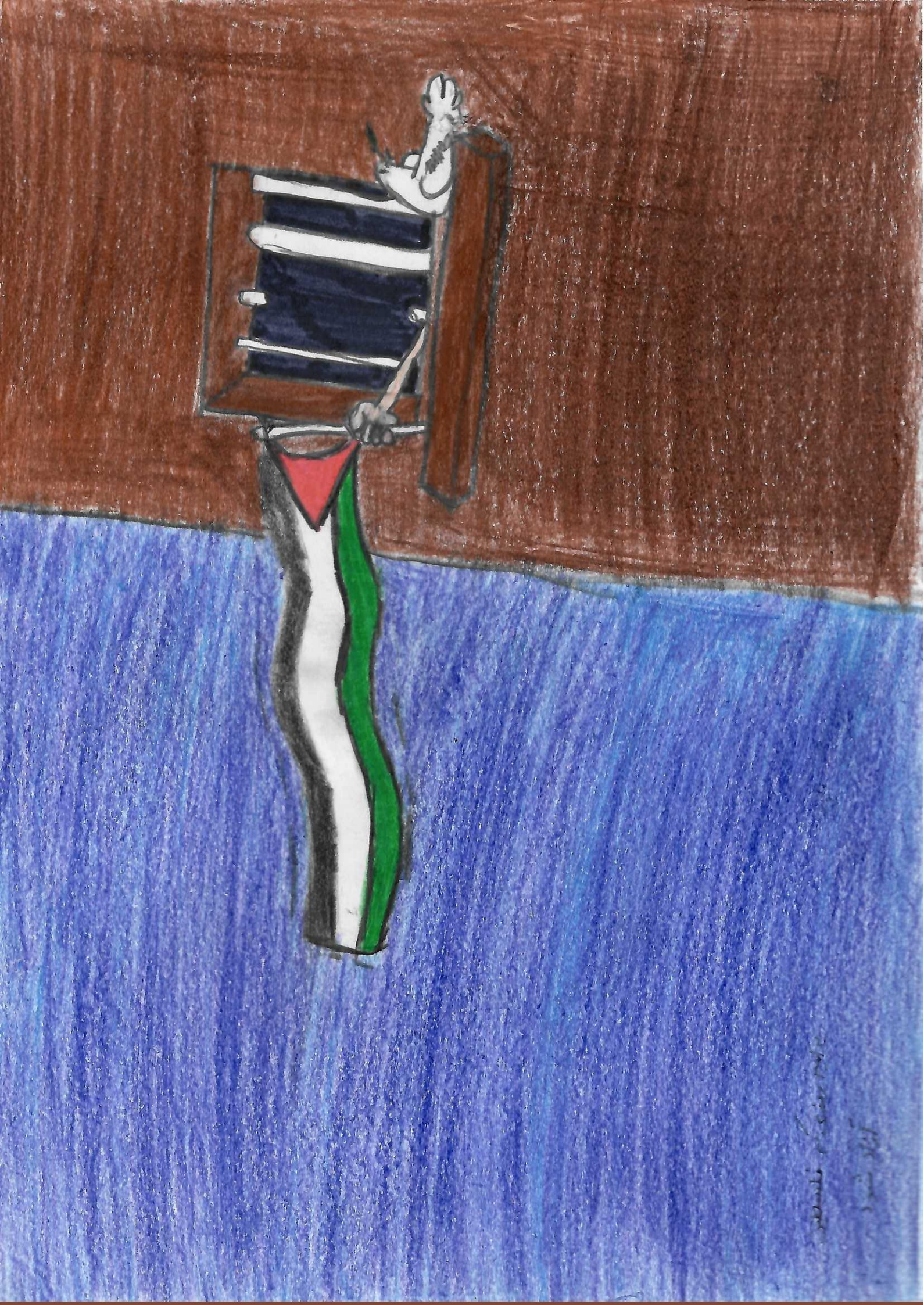
الحمد لله لا اله الا الله

حيد دقيقي بعد بلور را وليع سٽ خاک را داخل گودال جي ڀريو صدائے آرام آرام قطع جي ٿوڙو...

دارستان لیس
مدرسه دارستان
دو ساله

سور و نوا
در آواز
آواز
آواز





Stuntmeister

1997

جاسوسان را حاکم کشید و دوستانه از داخل آن محل بنیاد و شهدای عوامی را سیدالین



ش	ح	ث	م	ه	د	ر
ض	ط	ع	ف	گ	ز	ظ
ن	ب	ش	ه	ج	خ	ی
ش	ه	ر	ا	ی	ا	س
آ	ب	ی	ج	ش	ض	ا
غ	و	ا	ص	ه	ش	ا
د	ق	و	ف	غ	ش	ع
م	ج	گ	ن	ف	ا	ح
س	د	م	ق	خ	ز	ط